

خوابگاه دانشجویی و آسیب‌های اجتماعی دختران (مورد مطالعه: خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه‌های دولتی)

سیدحسین سراج‌زاده^۱، کرم حبیب‌پور کتابی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

چکیده

بحث تأثیر فضای خوابگاه دانشجویی بر شیوع و تعمیق آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان، همواره یکی از بحث‌های مهم و البته همچنان باز است که هنوز پاسخ واحد روشن و مورد اجماعی در باب این تأثیر وجود ندارد. مقاله حاضر با مسئله‌سازی این موضوع، با ترکیبی از روش‌های کمی (پیمایش با تکنیک پرسش‌نامه) و کیفی (تحلیل محتوای کیفی با تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته و بحث گروهی متمرکز) در قالب طرح متوالی تبیینی به بررسی شیوع و دامنه آسیب‌های اجتماعی در بین ۲۵۰۰ نفر از دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی در ۱۰ منطقه دانشگاهی و ۲۲ دانشگاه تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سطح کشور پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که در مجموع، میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان دختر خوابگاهی، در حد پایین است و شکل آسیب‌های اجتماعی در بین آنان، عمدتاً مربوط به امر جنسی و از نوع روابط دوستی است (رابطه دوستی، رابطه جنسی و پارتی)؛ به طوری که میزان شیوع رابطه با جنس مخالف در بین دانشجویان بالاست و حدود یک چهارم دانشجویان این رابطه را تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، شایع‌ترین مواد دخانی مصرفی در بین دانشجویان، ابتدا قلیان و سپس سیگار، مشروبات الکلی، مواد مخدر و پپ بود. نتایج تحقیق، گرچه بر میزان بالای شیوع رابطه دانشجویان دختر با جنس مخالف دلالت دارد، اما گویا بخش اعظم این تجربه مربوط به زمان قبل از ورود به دانشگاه به طور عام و خوابگاه به طور خاص بوده و در نتیجه فضای دانشگاهی و خوابگاهی سهم جزئی در این زمینه داشته است.

واژگان کلیدی: دانشگاه، خوابگاه دانشجویی، آسیب‌های اجتماعی، رابطه با جنس مخالف، مصرف

دخانیات

مقدمه و بیان مسئله

آسیب‌های اجتماعی از یک سو ریشه در عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند و از سوی دیگر، منشأ تغییرات و دگرگونی‌های زیادی در سطوح فردی، خانوادگی و جامعه می‌شوند. از طرفی، وقتی بناست در چارچوب فضای دانشگاه و مشخصاً فضای خوابگاه، به این آسیب‌ها در بین دانشجویان توجه شود، اهمیت توجه به آنها از حیث دامنه و عمق آن بیشتر می‌شود. چه بسا خوابگاه دانشجویی، که فضایی اجتماعی و فرهنگی با ویژگی بارز زیست جمعی است، در کنار پیامدها و جوانب مثبت، مانند یادگیری اجتماعی، افزایش مهارت‌های زندگی، کسب تجارب زندگی و... با ریسک‌هایی از جمله در زمینه آسیب‌های اجتماعی نیز همراه است.

موضوع بعدی اینکه این آسیب‌های اجتماعی احتمالاً در فضای زنانه و دخترانه، ماهیت، معنا و شیوع دیگری دارند و قطع نظر از تفاوت گستره و شدت آسیب‌های اجتماعی در بین دختران خوابگاهی، در قیاس با پسران، به نظر می‌رسد که بروز این آسیب‌ها در بین دختران بازتاب عوامل متعددی از جمله فرایند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری، شرایط خانوادگی، شرایط دوستان و امثال آن می‌باشد. برای مثال، دختران در فرهنگ ایرانی با محدودیت‌های بیشتری در جامعه در مقایسه با پسران مواجه‌اند، در نتیجه، زمان بیشتری را در محیط خوابگاه به سر می‌برند، کمتر به فعالیت‌های جانبی سرگرم‌کننده، جز مطالعه مطالب درسی، می‌پردازند (شجاع‌نوری و شکری، ۱۳۹۲: ۱۴۷). از طرفی، فضای سکونت خوابگاه و رویکرد فیزیک‌گرایی مسئولین خوابگاه به آن از یک سو و فقدان امکانات تفریحی و فراغتی مناسب از سوی دیگر، زمینه تأثیر سایر عوامل اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، همالان و امثال آن بر احتمال بروز رفتارهای انحرافی و آسیبی در بین دختران خوابگاهی را فراهم و تسهیل می‌کند. برای مثال، مطالعه پروین (۱۳۹۵) نشان داد که نزاع و درگیری دانشجویان بر سر مسائل مختلف و گرایش به رفتارهای پُرخطر و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و مصرف انواع موادمخدر از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خودگردان در شهر تهران محسوب می‌شوند. همچنین، در رابطه با عوامل مرتبط با ارتکاب آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان خوابگاهی، نتایج مطالعه علیوردی‌نیا و یونسی بروجنی (۱۳۹۲) نشان داد که مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر رفتارهای انحرافی در بین دانشجویان، فشار عمومی است که همان متغیرهای میانجی محسوب شده و بر خودکنترلی و پیوند اجتماعی تأثیر گذاشته و در نهایت، بروز رفتار انحرافی در بین دانشجویان را موجب می‌شوند. شجاع و همکاران (۱۳۸۹) نیز مهم‌ترین دلیل گرایش دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی گلستان به سیگار را ارتباط با دوستان سیگاری اعلام کرده‌اند؛ گرچه در سوی دیگر، رضاخانی مقدم و همکاران (۱۳۹۱) و رحیم‌زاده، حسینی و فاضل‌کخوران (۱۳۹۵) مهم‌ترین علت مصرف سیگار و قلیان در بین دانشجویان را تفریح و سرگرمی اعلام کرده‌اند.

به‌هرروی، پیگیری و رصد رویکردهای موجود در زمینه تأثیر خوابگاه بر بروز آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای انحرافی در بین دانشجویان خوابگاهی، حکایت از آن دارد که در بین ادبیات گفتاری و نوشتاری، به‌ویژه در محافل سیاست‌گذاری و کارگزاری، دو دسته رویکرد متناقض وجود دارد: رویکرد اول با وجهی ذات‌گرایانه، خوابگاه دانشجویی را همزاد آسیب‌های اجتماعی دانسته و بر تأثیر منفی خوابگاه بر بروز، شیوع، تعدد و عمق آسیب‌های اجتماعی متمرکز شده و دریافته‌اند که خوابگاه آن را تشدید می‌کند. رویکرد دوم معتقد است که خوابگاه فاقد هرگونه تأثیری روی آسیب‌های اجتماعی در بین دختران خوابگاهی است و از این رو منکر این تأثیرند. استدلال ضمنی این رویکرد آن است که بروز آسیب‌های اجتماعی در بین ساکنان خوابگاه، صرفاً نتیجه شرایط بیرونی خارج از خوابگاه است که موجب این آسیب‌ها شده و این آسیب‌ها صرفاً در محیط خوابگاه جلوه یافته‌اند.

بنابراین، واقع امر این است که از یک‌سو، با تناقض رویکردها در زمینه رابطه خوابگاه و آسیب‌های اجتماعی و از سوی دیگر، با کمبود مطالعات دقیق‌تر و جامع در این زمینه مواجه‌ایم؛ چه‌بسا، مطالعات موجود امکان درک این رابطه را به‌روشنی فراهم نکرده و همچنان حکایت از درک مبهم و متناقض دارد. بر همین اساس، مقاله پیش‌رو، که حاصل بخشی از پیمایش وضعیت رفاهی، فرهنگی و اجتماعی خوابگاه‌های دانشجویی دختر در دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سطح کشور است، با تلفیقی از روش‌شناسی‌های کمی و کیفی به بررسی ماهیت، دامنه و شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان دختر خوابگاهی از یک سو و تفسیر دلایل آنها از سوی دیگر می‌پردازد.

پیشینه تجربی

پیشینه مطالعاتی داخل و خارج از کشور چندین دلالت ضمنی در زمینه مطالعات آسیب‌های اجتماعی در سطح خوابگاه دانشجویی دارد. دسته اول به بررسی کل مسائل زندگی خوابگاهی پرداخته و در دل این کلیت، به بررسی آسیب‌های اجتماعی پرداختند که در این دسته، تنها با مطالعه شجاع‌نوری و شکری (۱۳۹۲) مواجه‌ایم که در پژوهش کیفی «شناسایی و طبقه‌بندی مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویان دختر غیربومی»، مشکلات دانشجویان را در سه طبقه فردی، امکانات خوابگاه و مدیریتی و آسیب‌های زندگی دانشجویی برای برخی دانشجویان غیربومی را در چهار طبقه جسمانی، روانی، تحصیلی و ناهنجاری اخلاقی_رفتاری شناسایی کردند.

دسته دوم از مطالعات، صرفاً روی کلیت آسیب‌های اجتماعی، رفتارهای انحرافی و بزهکاری متمرکز شدند، بدون اینکه به نوع خاصی از آنها توجه کنند. برای مثال، مثنوی و همکاران (۱۳۸۴) نگرش دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران در مورد رفتارهای انحرافی در خوابگاه‌ها را مورد مطالعه

قرار داده و دریافتند که بین شرایط خوابگاهی و شرایط خانوادگی و شرایط جامعه و رفتارهای انحرافی در خوابگاه‌های دانشجویی، رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی، عواملی از قبیل نحوه توزیع دانشجویان در اتاق‌ها، کاهش شرم حضور ناشی از کمبود فضای تعویض لباس و وسوسه‌های جنسی، در رفتار انحرافی در خوابگاه مؤثر بوده است و عامل غیرمذهبی بودن و آشفتگی خانواده زمینه‌ساز رفتار انحرافی در خوابگاه بوده‌اند. همچنین از نظر جنسیت، دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر خودارضایی و در مقابل، دختران بیش از پسران نیازهای جنسی خود را سرکوب کرده‌اند. شکرالهی (۱۳۹۲) در بررسی «تأثیر خوابگاه‌های دانشجویی بر بزهکاری دانشجویان» دریافت که: ۱. خوابگاه‌های دانشجویی محرک دانشجویان به ارتکاب جرم می‌باشند. ۲. تأثیرات خوابگاه‌های دانشجویی نسبت به دختران در جرائم جنسی بیشتر است. ۳. تأثیرات جرم‌زایی خوابگاه‌های دانشجویی نسبت به پسران در اعتیاد به موادمخدر و مشروبات الکلی بیشتر است. ۴. تاکنون هیچ تلاشی جهت شناسایی و حذف عوامل جرم‌زا در خوابگاه‌های دانشجویی صورت نگرفته است. ۵. گرایش زنان و دختران به ارتکاب جرم بیش از پسران است. مطالعه پروین (۱۳۹۵) در زمینه چالش‌های اجتماعی_فرهنگی زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خودگردان در شهر تهران با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی نیز، مطالعه دیگری از این دسته دوم است. این مطالعه دریافت که خوابگاه‌های خودگردان با مسائل و چالش‌هایی مانند نداشتن حریم خصوصی ساکنین، به دلیل ازدحام و تراکم جمعیت، شلوغی و سروصدا، نزاع و درگیری دانشجویان بر سر مسائل مختلف، سکونت افراد غیردانشجو، عدم تعلق به خوابگاه، بیگانگی از محیط خوابگاه، درگیری با همسایگان و گرایش به رفتارهای پُرخطر و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و مصرف انواع موادمخدر و... مواجه‌اند. همچنین، به ترتیب تماشای سایت‌ها و فیلم‌های غیرمجاز، مصرف سیگار و مصرف قلیان دارای بیشترین شیوع در میان دانشجویان ساکن خوابگاه‌های خودگردان می‌باشند و مصرف کراک و شیشه، هروئین و کوکائین و تریاک، دارای کمترین میزان شیوع می‌باشد.

در دسته سوم، برخی مطالعات داخلی نیز به‌جای تمرکز بر کلیت و مجموعه آسیب‌ها، به‌طور خاص، روی آسیب اجتماعی مشخصی در سطح خوابگاه متمرکز شده‌اند و در این زمینه به یافته‌هایی دست یافتند. برای مثال، در رابطه با مصرف سیگار، مطالعه مجیدپور، حمیدزاده اربابی، عباسقلیزاده و صالحی (۱۳۸۴) در زمینه میزان شیوع و علل گرایش به آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل نشان داد که ۱،۲ درصد از دختران در زمان پژوهش سیگاری بودند و ۳،۷ درصد از آنها تجربه مصرف سیگار داشتند. ۳،۳ درصد از دانشجویان سیگاری بومی و ۱۳،۸ درصد غیربومی بودند. رضانی، گواری، محمدعلیزاده، ربانی و بهرامپور (۱۳۸۹) دریافتند که ۵۲،۸ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های شهر کرمان تجربه سیگار کشیدن داشتند، در ۱۲،۱ درصد آنها سیگار کشیدن ادامه پیدا کرده بود و ۵۴،۴ درصد در سن زیر ۲۰ سالگی اولین

سیگار را تجربه نموده بودند. در همین زمینه، رضاخانی مقدم و همکاران (۱۳۹۱) دریافتند که ۹,۱ درصد از دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی تهران سیگاری و ۱۴,۸ درصد قلیانی بودند و اصلی‌ترین علت مصرف سیگار و قلیان تفریح و سرگرمی بوده است. نتایج مطالعه شجاع و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که ۰,۸ درصد از دانشجویان دختر ساکن خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی گلستان در زمان پژوهش سیگاری بودند و مهم‌ترین دلیل آن، ارتباط با دوستان سیگاری بود. بابایی حیدرآبادی و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که شیوع مصرف مواد در بین دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران برابر با ۱۵,۴ درصد است و بالاترین موادمخدر مصرفی مربوط به سیگار و قلیان به ترتیب با ۴۷,۴ درصد و ۴۲,۹ درصد بود. ۴۸ درصد دانشجویانی که مواد مصرف می‌کردند، سن آغاز مصرف آنها ۱۸ سال و کمتر بود. حدود ۵۸ درصد دانشجویان اولین بار مواد را در خوابگاه‌ها و پارک‌ها و پس از آن در نشست‌ها و پارتی‌های دانشجویی (۴۷,۵٪) آغاز کردند. رحیم‌زاده، حسینی و فاضل‌کخوران (۱۳۹۵) دریافتند که میزان مصرف سیگار و قلیان در بین دانشجویان دختر تربیت بدنی دانشگاه کردستان، به ترتیب برابر با ۱۱,۳ درصد و ۷,۵ درصد است که مهم‌ترین دلیل آن تفریح و سرگرمی بود.

در مطالعات خارجی نیز با ادبیات مناسبی در زمینه آسیب‌های اجتماعی در خوابگاه مواجه‌ایم. برای مثال، کلیمنت، دله، که‌بایند و موداپ^۱ (۲۰۱۳) در «ارزیابی خوابگاه‌های خصوصی؛ مطالعه موردی خوابگاه دانشگاه فدرال تکنولوژی آکور»، نرخ جرایم در این دسته از خوابگاه‌ها را پایین ارزیابی کردند. مود سوکی و چاودوری^۲ (۲۰۱۵) پژوهشی تحت عنوان «بررسی نگرش و رضایت از زندگی دانشجویان در خوابگاه‌های مؤسسه آموزش عالی شهر لبوان مالزی» و با این فرضیه انجام دادند که موقعیت، امکانات و کیفیت خوابگاه از طریق نگرش، روی رضایت دانشجویان از زندگی خوابگاهی تأثیر می‌گذارد. نتایج این پژوهش نشان داد که نگرش و رضایت دانشجویان ساکن خوابگاه بیشتر متأثر از کیفیت خوابگاه‌ها و امکانات و تسهیلات آن است. علاوه‌براین، نگرش دانشجویان بر رضایت آنها از زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی تأثیر می‌گذارد، لیکن مکان و موقعیت خوابگاه تأثیری بر رضایت و نگرش دانشجویان ندارد. بوتاه، اسنوبال، دو کلرک و رادلوف^۳ (۲۰۱۵) در بررسی «عوامل تعیین‌کننده رضایت دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشگاه آفریقای جنوبی» به بررسی نقش عوامل مختلف از جمله درک و تصور ساکنین از مسائل موادمخدر و الکل پرداخته و دریافتند که مسائل مرتبط با موادمخدر برای سلامتی و رضایت دانشجویان در محیط خوابگاه زیان‌آور بوده و برخی دانشجویان تمایلی به فاش کردن اطلاعات در این زمینه نداشتند. احساس

1 Clement, Dele, Kehinde, & Modupe

2 Mohd Suki & Chowdhury

3 Botha, Snowball, de Klerk, & Radloff

رضایت از خوابگاه در بین دانشجویانی که احساس می‌کردند در نبودشان، باید اتاقتشان را، با این تصور که اموال شخصی‌شان در معرض تهدید است، قفل کنند، کمتر است. یافته‌های مطالعه افتخار و اجمل^۱ (۲۰۱۵) تحت عنوان «مطالعه کیفی اثرات زندگی خوابگاهی» در بین ۱۰ دانشجوی خوابگاهی (۵ زن و ۵ مرد) در محدوده سنی ۲۰ تا ۲۵ سال نشان داد که زندگی خوابگاهی موجب افزایش گرایش دانشجویان به سمت استفاده از سیگار و مواد مخدر در بین دانشجویان پسر ساکن خوابگاه شده است.

جمع‌بندی مطالعات قبلی در زمینه آسیب‌های اجتماعی در خوابگاه دانشجویی، به‌ویژه در بین دختران، حاکی از آن است که مطالعه حاضر از سه منظر نسبت به مطالعات قبلی مزیت نسبی دارد: اول اینکه اکثر قریب به اتفاق مطالعات قبلی با یکی از دو روش‌شناسی کمی و کیفی به بررسی موضوع پرداختند، اما مطالعه حاضر ترکیبی از این دو روش را استفاده کرده است و طبیعی است که به دلیل چندبندی/زاویه‌بندی دقت یافته‌ها و تحلیل‌ها در رویکرد ترکیبی، بسیار بیشتر از رویکرد تک‌روشی می‌باشد. مزیت دوم اینکه در این مطالعه، آسیب‌های اجتماعی در دامنه گسترده‌تری بررسی شده است، درحالی‌که بسیاری از مطالعات قبلی بر آسیب یا آسیب‌های خاصی متمرکز شده‌اند. از این‌رو، مطالعه حاضر موجب انباشت ادبیات به‌ویژه در مورد مطالعاتی می‌شود که دامنه وسیع‌تری از آسیب‌ها را پوشش داده‌اند. مزیت سوم اینکه با توجه به قدیمی‌بودن پژوهش‌های قبلی و تغییر سبک زندگی دانشجویی و شیوع بیشتر آسیب‌های اجتماعی در سطح مدارس در سال‌های اخیر، که بخش اعظم آنها تشکیل‌دهنده دانشجویان جدیدالورود دانشگاه‌ها هستند، انجام مطالعه‌ای عمیق در این زمینه ضروری است و مطالعه حاضر اهمیتی است برای پاسخ به بخشی از این ضرورت.

ادبیات نظری

مطالعه حاضر در بررسی آسیب‌های اجتماعی در سطح خوابگاه دانشجویی دختران، در مسیر ادبیات نظری مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای انحرافی حرکت کرده و در این مسیر، از نظریه‌های فرایندی و هنجاری در سطح خرد برای توصیف و تشریح وضعیت آسیب‌های اجتماعی در سطح خوابگاه دختران بهره برده است. بدین معنی که نظریه‌های فرایندی، آسیب اجتماعی را محصول پیوستاری از مراحل، نقاط تصمیم و بحث‌هایی می‌دانند که از ماحصل آنها، رفتار و معنای آن ظهور می‌کند. یادگیری، تفسیر و اجتماعی‌شدن از مهم‌ترین مفاهیمی‌اند که توسط این نظریه‌ها برای تبیین انحراف به‌کار می‌روند (لیسکا^۲، ۱۹۸۷؛ صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱-۲۴).

1 Iftikhar & Ajmal

2 Liska

اما در دسته نظریه‌های فرایندی و هنجاری خرد، سه نظریه اصلی شامل نظریه خرد فرهنگ، دیدگاه کنش متقابل (با دو نظریه فرعی پیوند افتراقی و هویت افتراقی) و نظریه کنترل اجتماعی وجود دارند که در این تحقیق، صرفاً از دو نظریه اخیر یعنی دیدگاه کنش متقابل نمادین (به همراه نظریه‌های فرعی آن) و کنترل اجتماعی برای توصیف و تحلیل وضعیت آسیب‌های اجتماعی در سطح خوابگاه دانشجویی دختران استفاده شده است.

اولین دسته از نظریه انتخابی برای این تحقیق، دیدگاه کنش متقابل نمادی است که یک چارچوب و دیدگاه نظری جامعه‌شناختی در سطح خرد است و به این موضوع می‌پردازد که جامعه چگونه از راه تعاملات میان افراد ایجاد شده و تداوم می‌یابد. فرض این دیدگاه آن است که فشارهای ساختاری یا تضادهای فرهنگی، علت انحراف نیستند و در مقابل، درصدد است تا در رفتار روزمره مردم دقیق‌تر شود تا پی ببرد که چرا برخی مردم منحرف می‌شوند، اما برخی دیگر خیر. مرکز ثقل اندیشه دیدگاه کنش متقابل این است که نه تنها چرا انحراف اتفاق می‌افتد، بلکه چگونگی آن نیز مهم است. بسیاری از این نظریه‌ها بر دینامیسم‌های خاص تعاملی و اجتماعی-روان‌شناختی مانند فشار همالان، نقش گروه‌های همالان و تأثیر الگوهای نقش تمرکز می‌کنند. موقعی که افراد با مشکلات، فشارها و سختی‌ها برمی‌خورند، رفتارشان را براساس گروه‌های همالان خود تنظیم می‌کنند. به عبارتی، در داخل این گروه‌های همالان است که افراد تصمیم می‌گیرند که چه کاری را چگونه انجام دهند و کنش‌ها و واکنش‌های افراد تحت تأثیر برداشت‌ها، تفاسیر و کنش‌های گروه‌های همالان نشان است. نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین معتقدند که انحراف امری یادگرفتنی است که طی آن، فرد رفتارهای انحرافی را از دیگران یاد می‌گیرد (به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۳).

در چارچوب دیدگاه کنش متقابل نمادین، دو نظریه پیوند افتراقی و هویت افتراقی نقش مؤثری در فرمول‌بندی چارچوب نظری این تحقیق دارند که هر دو بر مفهوم کلیدی «یادگیری» متمرکزند و براساس آنها، تعاملات و کنش متقابل فی‌مابین افراد نقش مهمی در گرایش و ارتکاب انحراف در آنها دارد. اولین نظریه مورد استفاده در این دیدگاه، «نظریه پیوند افتراقی»^۱ ادوین ساترلند است. نظریه ساترلند، که نوعی نظریه انتقال فرهنگی است، معتقد است که رفتار انحرافی از طریق «معاشرت با اغیار» (پیوند افتراقی) یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایت‌کاران آموخته می‌شود. او می‌گوید: «برای آنکه شخص جنایت‌کار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد» (به نقل از ستوده، ۱۳۸۲: ۸۹). ساترلند در نظریه پیوند افتراقی خود اشاره می‌کند که مجرمان رفتارهای انحرافی و جنائی را یاد

1 Differential association theory

2 Edwin H. Sutherland

می‌گیرند و در نتیجه، انحراف هیچگاه جزء طبیعت و ذات یک فرد خاص نیست. رفتارهای انحرافی یاد گرفته می‌شود، درست به همان طریقی که تمامی رفتارهای دیگر یاد گرفته می‌شوند. این یادگیری از طریق تعامل بین افراد و گروه‌ها، و بکارگیری و تبادل نمادها و ایده‌ها انجام می‌گیرد. از نظر او، پیوند با همالان ضداجتماعی ارتباط مثبت و مستقیمی با رفتار بزهکارانه دارد (دادسون^۱، ۲۰۰۱: ۱۰۹). ساترلند در نظریهٔ پیوند افتراقی، فرض می‌کند که انگیزش‌های انحرافی در افراد را شرایط معین اجتماعی، که آنها را به رفتار انحرافی وامی‌دارد، تعیین می‌کند. او معتقد است بخش عمده‌ای از انحرافات در قالب جامعه-پذیر شدن فرد در خُرده‌فرهنگ‌های انحراف‌آمیز و از طریق همنشینی و معاشرت با دیگرانی حاصل می‌شود که حامل هنجارهای انحرافی‌اند. به تعبیری، او تحقق انحراف را عمدتاً نیازمند اجتماعی شدن فرد درون نظامی از ارزش‌ها می‌داند که راهنما و مشوق او به نقض هنجارهای مسلط در جامعه است (طالبان، ۱۳۸۳: ۹-۸). بنابراین، از این نظر، انحراف در درون خُرده‌فرهنگ انحراف‌آمیز، خود نوعی هم‌نوایی است که طی آن فرد خود را با قواعد آن خُرده‌فرهنگ هم‌نوا می‌کند.

این خُرده‌فرهنگ‌ها تعاریفی را که موافق نقض قانون و هنجارهاست، از دوستان خود گرفته و در نتیجه با احتمال بیشتری درگیر رفتارهای انحرافی می‌شوند. به عبارتی، اگر تعریف‌هایی که کنش‌های بزهکارانه را قابل قبول می‌نمایند، با پشتوانهٔ قوی‌تری از تعریف‌های مخالف با رفتار انحرافی به فرد القا شود و فرد نیز در دفعات بیشتری با این دسته از تعاریف مواجه گردد، احتمال اینکه مرتکب انحراف شود، بیشتر است (طالبان، ۱۳۸۳: ۸). وی در بیان خصلت یادگیرانهٔ انحرافات، بیشتر به گروه‌های نخستین نظیر گروه دوستان یا خانواده توجه داشته و حتی اشاره می‌کند که قدرت نفوذ این گروه‌ها از مسئولین (معلمین، کشیشان و پلیس) و رسانه‌ها (فیلم و روزنامه) بیشتر است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۵۲). در مجموع، نظریهٔ پیوند افتراقی ساترلند اذعان می‌دارد که: ۱. انحراف یادگرفتنی است، نه ارثی است و نه محصول بهرهٔ هوشی پایین یا آسیب‌مغزی و امثال آن. ۲. انحراف در تعامل با دیگران آموخته می‌شود. ۳. بخش اصلی یادگیری انحراف، در حلقهٔ درون گروه روی می‌دهد و رسانه‌های جمعی و مطبوعات نقش دوم را ایفا می‌کنند. ۴. یادگیری انحراف شامل آموختن فنون خلافتکاری و سمت‌وسوی خاص انگیزه‌ها، کنش‌ها و گرایش‌ها می‌شود. ۵. سمت‌وسوی خاص انگیزه‌ها و کنش‌ها از تعریف‌های مخالف و موافق هنجارها یاد گرفته می‌شود. ۶. فرد به دلیل بیشتر بودن تعریف‌های موافق تخلف، به نسبت تعریف‌های موافق با هم‌نوایی با هنجارها منحرف می‌شود. این نکته، قضیهٔ کلیدی نظریهٔ ساترلند است. ۷. پیوندهای افتراقی ممکن است از نظر فراوانی، دوام، رجحان و شدت متفاوت باشند. ۸. فرایند یادگیری انحراف از طریق تعامل با منحرفان و

هم‌نوایی، سازوکارهای مشابهی با هر نوع یادگیری دیگر دارد. ۹. انحراف را، که خود تجلی نیازها و ارزش‌های کلی است، نمی‌توان با همین نیازها و ارزش‌های کلی تبیین کرد (به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۶).

دومین نظریه در چارچوب دیدگاه کنش متقابل نمادین، که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، نظریه «هویت‌پذیری افتراقی»^۱ منتسب به دانیل گلیزر^۲ است که مدل ساترلند را تکمیل کرده است. گلیزر مدعی است که نظریه ساترلند رویکردی ماشین‌انگارانه به کج‌رفتاران دارد و چنین می‌پندارد که تعامل با منحرفان شخص را به‌طور مکانیکی وادار به درگیر شدن در امور منحرفانه می‌کند. درحالی‌که با این کار، قابلیت‌های تصمیم‌سازی و پذیرش نقش در فرد نادیده گرفته شده است. گلیزر در تلاش برای اصلاح این تصویر ماشین‌انگارانه از کج‌رفتاران، اظهار داشته است که تعامل با منحرفان (واقعی یا مجازی) به خودی خود ضرری ندارد، مگر اینکه به حدی برسد که فرد خود را با منحرفان یکی بداند و از آنها هویت بگیرد (به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۷). بنابراین به نظر می‌رسد که گلیزر از نشست و برخاست افراد با منحرفان در جهان واقع یا در کتاب‌ها و فیلم‌ها، در صورتی که از آنها هویت نپذیرد و با آنها همانند الگو و قهرمان خود برخورد نکند، هراسی ندارد، چون پیوند افتراقی را منحرف‌ساز نمی‌داند و علت اصلی انحراف را دخالت متغیر سوم؛ یعنی هویت‌پذیری از منحرفان یا هویت‌پذیری افتراقی می‌داند (همان: ۱۸-۱۹).

دسته دوم از نظریه‌های انتخابی تحقیق، نظریه کنترل اجتماعی منتسب به تراویس هیرشی^۳، به‌ویژه مفهوم «پیوند اجتماعی»^۴، اوست. نظریه کنترل اجتماعی یکی از مسلط‌ترین دیدگاه‌ها در زمینه رفتار انحرافی و احتمالاً یکی از نظریه‌هایی است که بیشترین آزمون روی آن صورت گرفته و در بین نظریه‌های جامعه‌شناختی انحراف نیز زیاد از آن سخن می‌رود. علاوه‌براین، نظریه کنترل اجتماعی از حمایت تجربی قابل توجهی برخوردار بوده و ارزش تبیینی آن نیز در حد خوب یا متوسط گزارش شده است (دورکین، وولف و کلارک^۵، ۱۹۹۹: ۴۵۱). هیرشی معتقد است که «همه ما حیوان هستیم و بنابراین همه هم فطرتاً استعداد بروز کنش‌های بزهکارانه را داریم» و «مردم مرتکب جرم می‌شوند، چون که جرم‌کردن جزء ذاتشان است». اما سؤال این است که «بالین‌حال چرا بیشتر مردم دست به جرم نمی‌زنند». هیرشی علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته و مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن، موجب اصلی انحراف است. هیرشی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را، که مانع انحراف می‌شوند، دلبستگی، تعهد،

1 Differential identification theory

2 Daniel Glaser

3 Travis Hirshi

4 Social bond

5 Durkin, Wolfe & Clark

درگیری و باور دانسته و معتقد است بین «دلبستگی» افراد به جامعه، «تعهد» آنان به امور متداول و زندگی روزمره و هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی، «درگیری» آنها در فعالیت‌های مختلف زندگی و «باورشان» به نظام هنجاری جامعه از یک‌سو و هم‌نوایی آنان با هنجارهای اجتماعی از سوی دیگر رابطه مستقیم، و با احتمال انحراف آنان رابطه معکوس وجود دارد (هیرشی، ۱۹۶۹: ۱۶۲-۱۶۹). هیرشی بر این باور است که هرچه پیوستگی فرد با والدین بیشتر باشد، فرد کمتر دچار انحراف می‌شود. همچنین، موقعی که فرد فکر کند والدینش می‌دانند او کجاها می‌رود، این فرد کمتر به اعمال انحرافی می‌گراید و کمتر رفتار بزهکارانه از خود بروز می‌دهد (دادسون، ۲۰۰۱: ۹۲-۹۴). براساس این نظریه، هرچه کنترل اجتماعی صورت‌گرفته بر فرد بیشتر باشد، فرد بیشتر به سمت انحراف کشیده می‌شود. طبق گزاره اصلی نظریه کنترل اجتماعی، افرادی که پیوند و بستگی‌های اجتماعی کمتری از نظر تعلق، تعهد، مشغولیت و باور به نهادهای اصلی اجتماعی جامعه‌شان دارند، احتمال درگیری‌شان در فعالیت‌های انحرافی به مراتب بیشتر از دیگران است. درواقع، نظریه کنترل اجتماعی بر این فرض است که انگیزش طبیعی برای ارتکاب انحراف در میان همه مردم وجود دارد (طالبان، ۱۳۸۳: ۷) و همه مردم بالقوه منحرف هستند، منتهی زمانی که عوامل کنترل و مؤلفه‌های پیوستگی اجتماعی کم‌رنگ شوند، این حالت بالقوه انحراف به فعلیت رسیده و فرد دچار رفتارهای انحرافی می‌شود.

روش تحقیق

مطالعه حاضر در سطح اکتشاف و توصیف، و فارغ از هدف تبیین علی و آزمون فرضیات انجام شده است. با توجه به هدف زاویه‌بندی یافته‌ها و دقت و تعمیق در آنها، روش‌شناسی مورد استفاده در این تحقیق، ترکیبی از روش‌شناسی‌های کمی و کیفی با طرح متوالی تبیینی^۱؛ یعنی نخست استفاده از روش‌شناسی کمی و سپس استفاده از روش‌شناسی کیفی برای کمک به توصیف عمیق نتایج کمی (کرسول و پلانوکالارک، ۱۳۹۴)، بوده است: ۱. در روش‌شناسی کمی، از روش پیمایش و تکنیک پرسش‌نامه در بین دختران دانشجوی ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه‌های کشور استفاده شد. ۲. در روش‌شناسی کیفی، از روش تحلیل محتوای کیفی با تلفیقی از دو تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته و بحث گروهی متمرکز، که هر یک برای هدف و شرح خدمات خاصی از تحقیق استفاده شد، بهره گرفته شد: اول) اجرای مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با پنج گروه: ۱. مدیران کل خوابگاه‌ها، ۲. مسئولان خوابگاه خاوران، ۳. سرپرستان خوابگاه‌ها، ۴. کمک سرپرستان خوابگاه‌ها و ۵. نگهبانان خوابگاه‌ها. دوم) اجرای بحث گروهی متمرکز در بین دختران دانشجوی ساکن در خوابگاه‌ها. درحقیقت، تحقیق حاضر ترکیبی از

1 Explanatory sequential design

رویکردهای نگرش‌سنجی و شیوع‌شناسی آسیب‌های اجتماعی در بین دختران ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی دولتی در کشور بوده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق مشتمل بر دو گروه بوده است:

گروه اول، دانشجویان دختر مستقر در خوابگاه‌های دانشجویی دولتی سراسر کشور بودند که براساس آخرین آمار ارائه‌شده از سوی صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در شهریور ۱۳۹۵، تعداد ۷۲۰۰۱ دانشجوی دختر در ۳۶۰ خوابگاه دانشجویی تحت پوشش وزارت علوم سکونت داشتند که این تعداد، درحقیقت، حجم جامعه آماری این تحقیق را تشکیل داده‌اند.

حجم نمونه در بین دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه‌ها براساس فرمول کوکران برابر با ۲۳۲۳ نفر برآورد شد، اما بنا به دلایل آماری و امکان تعمیم یافته‌ها از نمونه به جامعه آماری، ۵۰ نفر به حجم نمونه در دو دانشگاه نوسپروانی بابل و خاتم‌الانبیای بهبهان افزوده شد و با این حساب، حجم نمونه از ۲۳۲۳ نفر به ۲۳۷۳ نفر افزایش یافت. از طرف دیگر، چون بنای تحقیق بر اجرای آن در ۱۰ منطقه دانشگاهی و ۲۲ دانشگاه بود، به منظور افزایش دقت یافته‌ها و تحلیل‌ها، این حجم ۲۳۷۳ نفری به ۲۵۰۰ نفر افزایش یافت. همچنین، در طرح نمونه‌گیری، کل دانشگاه‌ها برحسب معیار جغرافیایی به دو دسته تقسیم شدند که براین اساس، ۱۷،۹ درصد دانشگاه‌ها در طبقه دانشگاه‌های تهرانی و ۸۲،۱ درصد در طبقه دانشگاه‌های غیرتهرانی قرار گرفته‌اند. در نتیجه، ۱۷،۹ درصد حجم نمونه (۴۱۶ نفر) از دانشگاه‌های تهرانی و ۸۲،۱ درصد آنها (۱۹۰۷ نفر) از دانشگاه‌های غیرتهرانی انتخاب شدند. اما همان‌طور که اشاره شد، حجم نمونه ۲۳۷۳ نفری به ۲۵۰۰ نفر افزایش یافت و به همین منوال حجم نمونه در دانشگاه‌های تهرانی نیز به ۴۳۹ نفر و در دانشگاه‌های غیرتهرانی به ۲۰۶۱ نفر افزایش یافت. همچنین، در تکمیل پرسش‌نامه در بین دانشجویان، از ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای، طبقه‌بندی متناسب (مقطع تحصیلی و تعداد دانشجویان ساکن در هر خوابگاه) و تصادفی نظام‌مند استفاده شده است.

علاوه بر پیمایش در این گروه، ۸ بحث گروهی متمرکز با دانشجویان دختر مستقر در خوابگاه در ۸ دانشگاه در نقاط مختلف کشور انجام شد که شامل دانشگاه‌های الزهراء، اهواز، تبریز، تهران، خوارزمی، کرمانشاه، گیلان و کرمان بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و استراتژی حداکثر تغییرات، سعی شد در انتخاب این دانشگاه‌ها، منطقه جغرافیایی، وضعیت دانشگاه‌ها (برحسب پهنه‌بندی مناطق ده‌گانه وزارت علوم) و نیز رشته و مقطع تحصیلی دانشجویان لحاظ شود تا بتوان درک بهتری از شرایط رفاهی خوابگاه‌ها در این دانشگاه‌ها داشت.

گروه دوم، شامل مسئولین خوابگاه‌های دانشجویی دخترانه در سراسر کشور است که برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از این گروه، از روش‌شناسی کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. این گروه از جامعه آماری شامل پنج گروه فرعی است: اول، مدیران کل خوابگاه؛ دوم، مسئولان خوابگاه خاهران؛ سوم، سرپرستان خوابگاه خاهران، چهارم، کمک سرپرستان خوابگاه خاهران؛ و پنجم، نگهبانان خوابگاه خاهران. در این گروه، از هر دانشگاه ۱ مدیرکل خوابگاه‌ها، ۱ مسئول خوابگاه خاهران، ۲ سرپرست، ۱ کمک سرپرست و ۱ نگهبان انتخاب شدند (یعنی ۶ نفر از هر دانشگاه). بنابراین، با توجه به انتخاب مجموع ۲۲ دانشگاه از ۱۰ منطقه دانشگاهی کشور، حجم نمونه در این گروه برابر با ۱۳۲ نفر بود.

سنجش‌ها

در این تحقیق، آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان دختر خوابگاهی براساس چندین معرف سنجش و بررسی شده است: نگرش پاسخگویان در مورد شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان خوابگاهی، تجربه و زمان مصرف مواد دخانی (قبل و بعد از ورود به دانشگاه و خوابگاه، سن آغاز مصرف)، ارزیابی و تجربه رابطه با جنس مخالف/ناهمجنس‌خواهی در بین دانشجویان (قبل و بعد از ورود به دانشگاه و خوابگاه، شکل رابطه). ارزیابی و تجربه رابطه با جنس مخالف/ناهمجنس‌خواهی در بین دانشجویان. در رابطه با مقیاس نگرش پاسخگویان در مورد شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان، باید گفت که این مقیاس یک مقیاس محقق‌ساخته مشتمل بر ۱۷ آسیب اجتماعی شامل کشیدن سیگار، کشیدن قلیان، استفاده از مواد مخدر، خرید و فروش مواد مخدر، استفاده از حشیش، استفاده از شیشه، مصرف الکل، مصرف قرص‌های روانگردان، رابطه دوستی با جنس مخالف و جز اینها بود که طی آن از پاسخگویان خواسته شد تا میزان شیوع این آسیب‌ها در خوابگاه را در قالب طیف ۵ گزینه‌ای (شامل اصلاً، کم، تا حدی، زیاد و کاملاً) ارزیابی کنند که حاصل جمع نمره ارزیابی پاسخگویان از این ۱۷ آسیب، نمره کل ارزیابی آنها از شیوع آسیب‌های اجتماعی در خوابگاه را نشان می‌داد.

تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها، با توجه به ماهیت متفاوت آنها (کمی و کیفی) از روش‌های متفاوتی استفاده شده است. بدین معنا که برای تحلیل داده‌های کمی، از نرم‌افزار آماری SPSS.ver24 و نمایش یافته‌ها همراه با فراوانی، درصد و شاخص‌های آماری گرایش به مرکز (میانگین) و پراکندگی (انحراف استاندارد)، و برای تحلیل داده‌های کیفی، از روش تحلیل محتوای متعارف با رویکرد استقرایی استفاده شده است. بدین معنی

که مفاهیم و مقولات اصلی در ارتباط با موضوع تحقیق، با رجوع به داده‌ها احصا شده‌اند نه براساس پیش‌فرض‌ها و الگوهای نظری از قبل تعیین‌شده.

کیفیت تحقیق

ابزار اصلی اندازه‌گیری در بخش کمی، پرسش‌نامه محقق‌ساخته در خصوص وضعیت اجتماعی، فرهنگی و رفاهی خوابگاه‌های دانشجویی دختر در کشور بود که بخشی از آن به موضوع آسیب‌های اجتماعی اختصاص یافته است. اعتبار پرسش‌نامه با روش اعتبار محتوایی (صوری و متخصصان) برآورد شد. بدین صورت که پرسش‌نامه اولیه در اختیار چند نفر از کارشناسان رشته‌های علوم اجتماعی، به‌ویژه پژوهشگران در حوزه آموزش عالی و زنان از یک طرف (به‌صورت فردی و از طریق پست الکترونیکی) و چند نفر از دانشجویان در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های تهران، شریف، شهید بهشتی، خوارزمی، علامه طباطبایی و علم و صنعت از طرف دیگر (به‌صورت جلسه گروهی ۴ ساعته)، به منظور مطالعه و اعمال نظر قرار گرفت و پس از تعدیل پرسش‌نامه براساس اعمال نظر آنها درباره تعداد، نوع و شیوه بیان سؤالات، پرسش‌نامه نهایی تهیه شد (در واقع، به این شکل، اعتبار محتوایی پرسش‌نامه حاصل گردید). برای برآورد پایایی پرسش‌نامه، ابتدا یک پیش‌آزمون با نمونه معدودی (۱۰ نفر) از دانشجویان ساکن خوابگاه در دو دانشگاه تهران و الزهرا انجام گرفت و پس از برآورد پایایی آن با روش ضریب آلفای کرونباخ، و سپس تعدیل سؤالات، رفع نواقص احتمالی و نهایی‌شدن پرسش‌نامه، داده‌ها جمع‌آوری و در راستای اهداف تحقیق پردازش و تحلیل شدند. در موضوع مرتبط با این مقاله نیز، مقیاس «نگرش پاسخگویان در مورد شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان خوابگاهی»، تنها مقیاسی بود که امکان برآورد پایایی برای آن وجود داشت و نتایج نشان داد که مقدار پایایی این مقیاس برابر با ۰.۸۷۷ بود که دلالت بر پایایی بالای این مقیاس و سازگاری درونی بالای گویه‌های آن با یکدیگر دارد.

در بخش کیفی، برای ارزیابی کیفیت تحقیق از سه معیار استفاده شد: اول) معیار اعتمادپذیری^۱ به‌ویژه معیار باورپذیری^۲ مورد نظر لینکلن و گوبا^۳ (۱۹۸۵)، که برای تأمین این باورپذیری، از استراتژی‌های حفظ و گسترش ارتباط با شرکت‌کنندگان، دقت در اجرای فنون کار میدانی و شایستگی حرفه‌ای محقق استفاده شد. دوم) معیار انتقال‌پذیری^۴ که زیرمجموعه معیار اعتمادپذیری مورد نظر لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) است و برای تأمین آن از استراتژی توصیف ضخیم^۵ مبنی بر توصیف مناسب و عمیق یافته‌ها با همه جزئیات

1 Trustworthiness

2 Credibility

3 Lincoln & Guba

4 Trustworthiness

5. Thick description

مرتبط با فرایند تحقیق استفاده شد. سوم) معیار زاویه‌بندی^۱ مورد نظر دنزین (۱۹۸۹)، که برای تأمین آن استراتژی‌های زاویه‌بندی روشی (استفاده از روش‌های پیمایش و تحلیل محتوای کیفی)، زاویه‌بندی داده (استفاده از داده‌های پرسش‌نامه، مصاحبه و بحث گروهی متمرکز)، زاویه‌بندی پژوهشگر (استفاده از چندین پژوهشگر در تحلیل داده‌ها) و تکنیک ممیزی^۲ (نظارت چند نفر از متخصصان موضوعی و روشی بر مراحل کدگذاری، مقوله‌بندی و تم‌بندی) به کار گرفته شدند.

یافته‌ها

بافت نمونه

توزیع نسبی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های جمعیتی حاکی است که بیشتر آنها (۷۴،۲ درصد) از گروه سنی ۲۴ سال و کمتر ($M=22.69$ ، $SD=3.74$)، مجرد (۹۰،۶ درصد)، سال دوم ورودی (۳۴،۹ درصد)، مقطع کارشناسی (۶۴،۲ درصد)، رشته‌های علوم انسانی (۴۴،۴ درصد)، ساکن نقاط شهری (۸۵،۶ درصد)، قومیت فارس (۴۷،۷ درصد) و طبقه اجتماعی متوسط (۷۷،۶ درصد) بودند.

نگرش پاسخگویان در مورد شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان خوابگاهی

ارزیابی پاسخگویان از شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان خوابگاه پایین و در حد بسیار کمتر از حد متوسط (۳) است. به طوری که ۴۳،۱ درصد آنها بر این باور بودند که میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان خوابگاهی در حد اصلاً و کم است که البته نسبت اصلاً (۲۸،۱ درصد) بیشتر از کم (۱۵ درصد) می‌باشد. در مقابل، ۹،۲ درصد پاسخگویان میزان این آسیب‌ها در خوابگاه را در حد زیاد و کاملاً عنوان کرده‌اند که از بین آنها، در مجموع ۲،۸ درصد اعتقاد راسخ به شیوع این آسیب‌ها در بین دانشجویان خوابگاهی دختر داشتند ($M=2.05$ ، $SD=1.19$). در بحث‌های متمرکزی نیز که با دانشجویان صورت گرفت، ارزیابی آنها از میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان در حد پایین عنوان شده است. برای مثال:

«آره، بوی سیگار رو حس می‌کنیم، ولی خیلی کم...» (الزهره، د. مدیریت بازرگانی).

«گاهی در حد خیلی کم مشروبات الکلی هم مصرف می‌شد، که البته شناسایی شد و با آنها برخورد شد» (کرمانشاه).

نتایج دیگر تحقیق مبنی بر نگرش پاسخگویان در مورد میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان به شرح زیر قابل اشاره می‌باشند:

1. Triangulation
2. Audit check

اول) از بین ۱۷ آسیب اجتماعی مورد بررسی که ارزیابی پاسخگویان از میزان شیوع آن در بین دانشجویان پرسش شد، میزان تنها یک آسیب بالاتر از حد متوسط (۳) بود که مربوط به رابطه دوستی با جنس مخالف است ($M=۳,۶۱$). اما در مورد سایر آسیب‌ها، ارزیابی پاسخگویان کمتر از حد متوسط بود. دوم) از نظر پاسخگویان، شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان، مربوط به امر جنسی و رابطه با جنس مخالف بود؛ درحقیقت، آسیب‌هایی که ارضای آنها به شکل معمول در جامعه گاه با تابو همراه است و سرکوب شده است. در این دسته از آسیب‌ها، بایستی به رابطه دوستی با جنس مخالف ($M=۳,۶۱$)، رابطه جنسی نامشروع با جنس مخالف ($M=۲,۵۷$) و نشست‌ها و پارتی‌های دوستانه مختلط ($M=۲,۵۲$) اشاره کرد.

سوم) ارزیابی پاسخگویان از کم‌شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی در بین دانشجویان نیز، به ترتیب مربوط به استفاده از شیشه ($M=۱,۲۲$)، استفاده از حشیش ($M=۱,۲۴$)، خریدوفروش موادمخدر ($M=۱,۳۱$)، مصرف الکل ($M=۱,۴۵$) و مصرف قرص‌های روانگردان ($M=۱,۴۸$) بود. اما در نقطه مقابل، ارزیابی آنها از شایع‌ترین ماده دخانی مصرفی در بین دانشجویان، مربوط به سیگار بوده است که نتایج بحث‌های گروهی متمرکز نیز دلالت بر شیوع مصرف آن در بین دانشجویان، در قیاس با بقیه مواد دخانی داشته است و پس از آن، مصرف قلیان در رتبه بعدی قرار داشت.

«بعضی وقتا دیدم که پشت فاطمیة ۵ بعضی سیگار می‌کشن» (تهران).

«هستند بچه‌ها که سیگار استفاده می‌کنند، ولی خوب خیلی پنهانی ...» (الزهره، د. پژوهش هنر).

«بوی سیگار همیشه در بالکن را باز می‌کنیم از اتاق بغلی می‌آید و بوش آدمو خفه می‌کنه» (گیلان، د.

تربیت بدنی).

گرچه پاسخگویان نظر منفی در رابطه با شیوع مصرف قرص‌های روانگردان داشتند، اما در معدودی از خوابگاه‌ها، به‌ویژه در دانشگاه‌های پیرامونی، مدیران خوابگاه از مصرف این قرص‌ها در بین دانشجویان گفته‌اند.

«پخش و توزیع مواد یا قرص‌های روانگردان با شکل و بسته‌بندی خاص و در قالب معجون‌های

گیاهی در محیط خوابگاه‌ها است که متأسفانه شناسایی و کشف توزیع‌کنندگان آن کار بسیار دشواری

است» (بیرجند، مدیرکل خوابگاه).

حتی مسئولین خوابگاه نیز در ارزیابی از شیوع آسیب‌های اجتماعی در خوابگاه دختران، مصرف سیگار را شایع‌ترین آسیب در بین دختران دانسته‌اند و گاه از روند صعودی افزایش آسیب‌های اجتماعی سخن گفته‌اند.

«تا چند سال پیش، سیگار یک چیز تابو بود. اما این نمودار سیگار دارد می‌رود بالا و مشروبات الکلی»

(الزهره، مسئول خوابگاه خواهران).

در رابطه با مصرف مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی نیز، معدودی از دانشجویان شرکت‌کننده در جلسات بحث گروهی در یکی از دانشگاه‌های نیمه‌پیرامونی، به مصرف این مواد از سوی برخی دانشجویان اشاره کرده‌اند:

«قبلاً بوی مواد مخدر را استشمام کرده‌ام» (کرمان، ک.ا. ادبیات فارسی).

«من خودم متوجه نشدم، ولی یکی از دوستانم به من اطلاع داده که در فلان اتاق مشروب سرو شده و وقتی جويا شدم که چطور هم‌اتاقی‌ها به مسئولین خبر نمی‌دهند، مطلع شدم که همه کسانی که اهل این کار هستند، در یک اتاق سکونت دارند» (کرمان، ک.ا. سازه‌های آبی).

چهارم) نتایج گویای این واقعیت است که جنس آسیب‌های اجتماعی در بین دختران خوابگاهی، از نوع روابط دوستی است (رابطه دوستی، رابطه جنسی و پارتی) تا مواد مخدر و یا آسیب اجتماعی به معنای جرمی آن (مصرف شیشه، حشیش، مواد مخدر، مصرف الکل و...). رابطه با جنس مخالف در اکثر دانشگاه‌های مورد مطالعه، چه در مناطق مرکزی و چه در مناطق پیرامونی، بسیار شایع بود و به عنوان مهم‌ترین آسیب اجتماعی در بین دانشجویان دختر یاد شده است که بیشتر نیز به دلیل خلأ عاطفی ناشی از دوری از خانواده از یک طرف و محدودیت آزادی روابط بین دختر و پسر در سطح جامعه از سوی دیگر صورت می‌گیرد. برای مثال:

«متأسفانه بعضی دانشجویها به‌خاطر دوری از خانواده یا به‌خاطر خلأ عاطفی، با جنس مخالف ارتباط برقرار کرده» ... (اهواز، ک.ا. برق).

«تجربه ندارم ... ولی در بین بچه‌ها دیدم که با جنس مخالف رابطه داشتند و هر روز با هم بیرون بودند» (اهواز، ک. جامعه‌شناسی).

مسئولین خوابگاه نیز قایل به شیوع رابطه با جنس مخالف در بین دانشجویان خوابگاهی بودند. آنها بر این باورند که این ارتباط با جنس مخالف، در حال حاضر یک آسیب جدی برای دانشجویان دختر است که از نظر عاطفی وابستگی شدیدی به جنس مخالف پیدا کرده و بعد از مدتی که رابطه گسسته می‌شود، آسیب فراوانی روحی و روانی برای دختران دارد.

«مشکلات اجتماعی هم خیلی نداریم، بین دانشجویها، بیشتر همین مسئله دوست پسر و دوست دختری است» (تبریز، کمک سرپرست).

«دوست پسر هم مشکل بزرگی است، آن هم چه مشکلی. مثلاً سر همین داستان‌ها یک خودکشی داشتیم» (ارومیه، سرپرست).

اما نکته اینجاست که اگر از نگاه برساخت‌گرایی به موضوع رابطه دختر و پسر نگاه کنیم، در حال حاضر، تلقی داشتن رابطه دوستی با جنس مخالف به‌عنوان یک آسیب، از نظر بخشی از دانشجویانی که این رابطه را دارند و/یا حتی چنین رابطه‌ای ندارند، مردود است و آنها تعبیر آسیب‌زایی از

آن ندارند. این بخش از دانشجویان داشتن چنین رابطه‌ای را جزء حوزه خصوصی خویش دانسته و آن را بخشی از زندگی عادی تلقی می‌کنند. بنابراین، حتی اگر ما در مقام حاکمیت، دولت و پژوهشگر این نوع رابطه را آسیب تلقی کنیم، اما مرتکبین این رفتار نگاه غیرانحرافی به آن دارند. برای مثال، دانشجویان زیر در این رابطه چنین می‌گویند:

«داشتن دوست پسر، جزء مسائل شخصی است و به کسی مربوط نیست و عادی است ... وقتی وارد محیط خوابگاه می‌شوند، رابطه با جنس مخالف طبیعی است» (کرمانشاه، د.).
«این ارتباطات که اینها می‌کن نامشروع، من می‌گم مشروع و باید باشه، البته بستگی داره هدفت چی باشه، چون رابطه جسمی و جنسی تو رابطه عشق را منحرف می‌کنه» (تهران).
«ارتباط بین دوس دختر و پسر به کسی ارتباط نداره، ولی ما که از نظرمون تابو بوده و آموزش ندیدم، خوابگاه بستر خوبیه برای آموزش کم و کیف این رابطه» (تهران).

یا حتی یکی از دانشجویان در یکی از دانشگاه‌های مرکزی نیز فاقد هرگونه نگاه آسیب‌شناسانه به رابطه با جنس مخالف بوده و چنین رابطه‌ای را جزو نیازهای زیستی یک انسان می‌داند:

«این مسائل صددرصد یک آسیب نیست، یک نیازه، نیاز به دوست داشتن، دوست داشته شدن» (خوارزمی، ک.ا. صنایع).

اما در کنار همه این مسائلی که به‌عنوان آسیب از سوی تیم تحقیق در نظر گرفته و مورد سنجش قرار گرفتند، مسئولین خوابگاه در بسیاری از دانشگاه‌ها به آسیب‌های دیگری هم اشاره کردند. از جمله این آسیب‌ها، استفاده از فضای مجازی بود که این نگاه آسیب‌شناسانه به آن در بین دانشجویان مفقود است. بدین معنی که عدم اشاره دانشجویان به این مسئله، به معنای عدم تلقی آنها از آن به‌عنوان یک آسیب و تلقی از آن به‌عنوان بخشی از زندگی روزمره بوده است. اما در هر صورت، مسئولین خوابگاه استفاده مفراط و فریبه دانشجویان از فضای مجازی را نوعی آسیب دانسته و از شیوع آن در دانشگاه اظهار نگرانی کرده‌اند.

«فضای مجازی، چت، اعتمادکردن به اینستاگرام، تلگرام و... راحت دوست می‌شوند. فرد هزاران خلاف انجام داده، اما دختران به او اعتماد می‌کنند. باید به آنها فرهنگ‌سازی بشود» (الزهره، مدیرکل خوابگاه).

«مشکل دیگر ... مسئله تکنولوژی فضای مجازی است که حریم‌ها و دیوارها را از میان برداشته است. گزارشات متعددی نیز در این زمینه دریافت کرده‌ایم که تصاویر دانشجویان عمداً یا سهواً توسط هم‌اتاقی‌هایشان و دوستانشان در بین افراد نامحرم منتشر شده. مورد دیگری که جدیداً با آن برخورد کرده‌ایم» (بیرجند، مدیرکل خوابگاه).

«... نکته‌ای که باید به آن توجه شود، این است که بچه‌های دهه ۷۵، ۷۶ به جنس مخالف گرایش دارند و وارد روابط دوستی با پسران می‌شوند. البته باید به اثرات وجود فضای مجازی و دسترسی آسان به اینترنت بر روی این مسئله توجه داشت» (لرستان، مدیر مجتمع خوابگاه‌ها).

آسیب دیگری که مسئولین خوابگاه به آن اشاره کرده‌اند، کم‌حجابی یا بدحجابی دانشجویان است. این مسئولین معتقدند که دانشجویان، علی‌رغم تذکرات آیین‌نامه‌ای که به آنها داده می‌شود، حجاب را زیاد رعایت نمی‌کنند.

«برخی از دانشجویان بدحجاب بیرون می‌روند، بارها به اینان تذکر داده‌ایم، اما توجه نمی‌کنند و مثلاً می‌گویند من دانشجوی دکتری هستم، بیرون گشت ارشاد گیر می‌دهد و اینجا هم می‌آییم شما گیر می‌دهید و کلاً برخورد بدی با نگرهبانی دارند» (علم و صنعت، نگهبان).

«بعضی‌ها هم پوشش‌های ناجور یا آرایش غلیظ دارند، که به آنها تذکر می‌دهیم» (تبریز، سرپرست).

نشست‌ها و دوستی‌های مختلط نیز از دیگر آسیب‌های اجتماعی است که البته به ندرت از سوی پاسخگویان اذعان شده و معدودی از مسئولین به آن اشاره کرده‌اند.

«بوده که خروجی منزل زده ولی منزل نرفته‌اند، مثلاً دوستی‌های دختر و پسر ایجاد شده که اینها رفته‌اند خانهای که کلاً شب را با هم باشند، مواردی که صبح بیرون می‌روند با دوست پسر خود تا عصر» (خاتم/الانبیای بهبهان، سرپرست).

جدول شماره ۱: نگرش پاسخگویان در مورد شیوع آسیب‌های اجتماعی بین دانشجویان

آسیب‌ها	اصلاً	کم	تا حدی	زیاد	کاملاً	نمی‌دانم	n	M	SD
۱. کشیدن سیگار	۲۶	۲۳٫۵	۱۶٫۲	۷	۰٫۷	۲۶٫۶	۲۴۹۳	۲٫۰۹	۱٫۰۲
۲. کشیدن قلیان	۳۶	۱۷٫۲	۹٫۵	۴٫۷	۰٫۶	۳۲٫۱	۲۴۹۳	۱٫۷۷	۰٫۹۸
۳. استفاده از موادمخدر	۳۴٫۷	۱۴٫۷	۶٫۷	۱٫۷	۰٫۴	۴۱٫۸	۲۴۹۱	۱٫۶۰	۰٫۸۶
۴. خرید و فروش موادمخدر	۳۹٫۷	۷٫۶	۲٫۶	۰٫۶	۰٫۳	۴۹٫۳	۲۴۹۳	۱٫۳۱	۰٫۶۷
۵. استفاده از حشیش	۴۰٫۹	۵٫۷	۱٫۷	۰٫۵	۰٫۳	۵۱	۲۴۹۳	۱٫۲۴	۰٫۶۲
۶. استفاده از شیشه	۴۱٫۵	۵٫۶	۱٫۵	۰٫۴	۰٫۲	۵۰٫۸	۲۴۹۲	۱٫۲۲	۰٫۵۹

ادامه جدول شماره ۱: نگرش پاسخگویان در مورد شیوع آسیب‌های اجتماعی بین دانشجویان

آسیب‌ها	اصلاً	کم	تا حدی	زیاد	کاملاً	نمی‌دانم	n	M	SD
۷. مصرف الکل	۳۶,۱	۹,۶	۴,۱	۱,۳	۰,۳	۴۸,۶	۲۴۸۸	۱,۴۵	۰,۸۰
۸. مصرف قرص‌های روانگردان	۳۴,۷	۸	۳,۸	۱,۷	۰,۷	۵۱,۱	۲۴۷۹	۱,۴۸	۰,۸۸
۹. رابطه دوستی با جنس مخالف	۷,۷	۵,۶	۱۸	۳۶,۸	۱۸,۷	۱۳,۱	۲۴۸۰	۳,۶۱	۱,۱۵
۱۰. رابطه جنسی نامشروع با جنس مخالف	۱۴,۵	۱۲,۲	۱۵,۲	۱۰,۴	۳,۵	۴۴,۱	۲۴۸۰	۲,۵۷	۱,۲۳
۱۱. رابطه جنسی با همجنس	۲۳	۱۳,۹	۸,۵	۳,۳	۱,۵	۴۹,۸	۲۴۸۶	۱,۹۳	۱,۰۷
۱۲. تن‌فروشی بخاطر تأمین هزینه زندگی	۲۲	۸,۹	۶,۶	۳,۶	۱,۳	۵۷,۶	۲۴۸۳	۱,۹۰	۱,۱۳
۱۳. نشست‌ها و پارتی‌های دوستانه مختلط	۱۷,۳	۱۱,۳	۱۶,۱	۱۱,۳	۳,۲	۴۰,۷	۲۴۷۷	۲,۵۲	۱,۲۴
۱۴. پوشش بسیار نامناسب در زمان ورود آقایان به خوابگاه	۳۰,۷	۲۴,۱	۱۷	۹,۵	۳,۷	۱۵	۲۴۸۶	۲,۱۹	۱,۱۷
۱۵. دعوا و زدوخورد بین دانشجویان	۲۴,۴	۳۴,۹	۱۷,۲	۶,۱	۱,۴	۱۵,۹	۲۴۸۷	۲,۱۱	۰,۹۶
۱۶. سرقت وسایل شخصی از اتاق	۱۸,۹	۲۶,۶	۲۳,۶	۱۲,۸	۴,۲	۱۳,۸	۲۴۹۲	۲,۵۰	۱,۱۳
۱۷. سرقت وسایل شخصی از یخچال	۳۸,۶	۲۱,۲	۱۲,۵	۶,۴	۲,۴	۱۸,۸	۲۴۹۱	۱,۹۳	۱,۱۰
مقیاس	۲۸,۱	۱۵	۱۰,۲	۶,۴	۲,۸	۳۷,۶	۲۵۰۰	۲,۰۵	۱,۱۹

نگرش پاسخگویان در مورد مصرف مواد دخانی توسط هم‌اتاقی و هم‌خوابگاهی‌ها

نتایج نشان داد که گرچه براساس درصد معتبر، اکثر پاسخگویان (۹۲,۲ درصد) معتقد بودند هم‌اتاقی‌های آنها مواد دخانی مصرف نمی‌کنند و ۷,۸ درصد آنها به مصرف مواد دخانی توسط هم‌اتاقی اذعان داشته‌اند، اما براساس درصد نسبی، این نسبت به ۸۱,۴ درصد تقلیل یافته و حاکی است که اگر دلیل بی‌جوابی ۱۱,۸ درصد پاسخگویان به این پرسش را نیز مدرکی دال بر کتمان مصرف مواد دخانی توسط هم‌اتاقی‌ها بدانیم،

در این صورت ۱۸٫۶ درصد پاسخگویان بر این باورند که هم‌اتاقی‌های آنها مواد دخانی مصرف می‌کنند. البته بر این استدلال، خطا نیز وارد است و بایستی این خطا را در نظر گرفت. در رابطه با مصرف مواد دخانی توسط هم‌خوابگاهی، قطعاً نسبت اظهارشده از سوی پاسخگویان بیشتر است؛ به طوری که در این زمینه، ۴۴٫۱ درصد از پاسخگویان گفته‌اند که هم‌خوابگاهی‌های آنها مواد دخانی مصرف می‌کنند و ۵۵٫۹ درصد نیز به عدم مصرف این مواد از سوی هم‌خوابگاهی‌ها قایل بودند. در رابطه با نوع ماده دخانی توسط هم‌اتاقی‌ها و/یا هم‌خوابگاهی‌ها، قریب به دو سوم پاسخگویان (۶۴٫۷ درصد) معتقد بودند که سیگار شایع‌ترین ماده دخانی مصرفی از سوی دانشجویان است. پس از سیگار، قلیان، مواد مخدر سنتی، مواد مخدر صنعتی و پیپ در رتبه‌های بعدی قرار داشتند.

نگرش پاسخگویان در مورد مصرف مشروبات الکلی توسط هم‌اتاقی و هم‌خوابگاهی‌ها

نسبت هم‌اتاقی‌هایی که مشروبات الکلی مصرف می‌کنند (۷٫۷ درصد)، تقریباً با هم‌اتاقی‌هایی که مواد دخانی مصرف می‌کنند (۹۲٫۶ درصد)، برابر است. درحقیقت، ۷٫۷ درصد از پاسخگویان بر این باور بودند که حداقل یک نفر از هم‌اتاقی‌های آنها مشروبات الکلی مصرف می‌کند که در این بین، ۵٫۱ درصد به ۱ تا ۵ نفر و ۲٫۳ درصد به ۶ نفر و بیشتر اشاره کرده‌اند. اما در رابطه با نسبت هم‌خوابگاهی‌های مصرف‌کننده مشروبات الکلی (۳۷٫۹ درصد)، این نسبت کمتر از هم‌خوابگاهی‌های مصرف‌کننده مواد دخانی (۴۴٫۱ درصد) است. یعنی به‌زعم پاسخگویان، دانشجویان ساکن در خوابگاه بیشتر مواد دخانی مصرف می‌کنند تا مشروبات الکلی. در خصوص منابع و محل تهیه مواد مخدر یا مشروبات الکلی، ۲۹٫۴ درصد از پاسخگویان بر این باور بودند که دانشجویان مواد مخدر یا مشروبات الکلی را از سطح شهر تهیه می‌کنند.

تجربه، زمان و سن آغاز مصرف مواد دخانی توسط پاسخگویان

شایع‌ترین ماده دخانی که پاسخگویان مصرف می‌کنند قلیان است (۴٫۹ درصد). سیگار (۲٫۷ درصد)، مشروبات الکلی (۲٫۷ درصد)، مواد مخدر (۰٫۶ درصد) و پیپ (۰٫۵ درصد) در رتبه‌های بعدی از نظر شیوع مصرف در بین پاسخگویان قرار داشتند. در رابطه با زمان مصرف مواد دخانی نیز، در سه ماده دخانی سیگار، قلیان و مشروبات الکلی، پاسخگویان قبل از ورود به دانشگاه این مواد را مصرف می‌کردند. اما در مورد دو ماده دخانی پیپ، پاسخگویان بعد از ورود به دانشگاه شروع به مصرف این مواد کرده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که احتمالاً دانشگاه، به‌ویژه خوابگاه، نقش مهمی در گرایش دانشجویان به مصرف پیپ و مواد مخدر داشته است و بخشی از این گرایش ناشی از این دو فضاست (که البته عوامل دیگری نیز در آن نقش دارند). در رابطه با سن آغاز مصرف مواد دخانی توسط پاسخگویان، این سن برحسب ماهیت ماده

دخانی متفاوت است. به طوری که آنها پیش از همه مصرف قلیان را شروع کرده ($M=17,54$ ، $SD=2,84$) و پس از آن، سن آغاز مصرف سیگار ($M=18,81$ ، $SD=3,23$) کمتر از بقیه است. ضمن اینکه در بین مواد دخانی مورد مطالعه، پاسخگویان مصرف مواد مخدر را دیرتر از همه شروع می‌کنند ($M=20,33$ ، $SD=1,03$) که این تأخیر نسبت به بقیه، همان طور که در نتایج قبلی دیدم، بعد از ورود به دانشگاه بوده است.

جدول شماره ۲: تجربه و زمان مصرف مواد دخانی توسط پاسخگویان

SD	M	زمان مصرف				وضعیت مصرف			مواد دخانی	
		بعد از آمدن به خوابگاه (۳)	بعد از آمدن به دانشگاه (۲)	قبل از آمدن به دانشگاه (۱)	N	مصرف می‌کنم (۱)	مصرف نمی‌کنم (۲)	N		
۳,۲۳	۱۸,۸۱	۶۱	۷	۲۵	۲۹	۲۳۳۹	۲۲۷۵	۶۴	f	سیگار
		۱۰۰	۱۱,۵	۴۱	۴۷,۵	۱۰۰	۹۷,۳	۲,۷	%	
۲,۸۴	۱۷,۵۴	۱۱۵	۷	۲۹	۷۹	۲۳۳۸	۲۲۲۴	۱۱۴	f	قلیان
		۱۰۰	۶,۱	۲۵,۲	۶۸,۷	۱۰۰	۹۵,۱	۴,۹	%	
۲,۳۸	۱۹	۱۴	۲	۹	۳	۲۳۲۵	۲۳۱۳	۱۲	f	پیپ
		۱۰۰	۱۴,۳	۶۴,۳	۲۱,۴	۱۰۰	۹۹,۵	۰,۵	%	
۱,۰۳	۲۰,۳۳	۱۰	۳	۶	۱	۲۳۲۲	۲۳۰۹	۱۳	f	مواد مخدر
		۱۰۰	۳,۰	۶,۰	۱,۰	۱۰۰	۹۹,۴	۰,۶	%	
۳,۱۹	۱۹,۱۹	۵۳	۱۰	۱۵	۲۸	۲۳۳۱	۲۲۶۷	۶۴	f	مشروبات الکلی
		۱۰۰	۱۸,۹	۲۸,۳	۵۲,۸	۱۰۰	۹۷,۳	۲,۷	%	

ارتباط با جنس مخالف (ناهمجنس‌خواهی) در بین دانشجویان و پاسخگویان

میانگین اعتقادی که پاسخگویان به رابطه برخی دانشجویان خوابگاه با جنس مخالف داشتند، بسیار بالا بود و عددی بالاتر از (۴ از ۵) را به خود اختصاص داده است ($M=4,14$ ، $SD=1,10$). در پاسخ به این سؤال که چقدر معتقدید برخی دانشجویان خوابگاه با جنس مخالف رابطه دارند، حدود دو سوم پاسخگویان (۶۵,۴ درصد) موافق وجود این رابطه در بین دانشجویان دختر بودند. نتایج بحث گروهی در بین دانشجویان ۸ دانشگاه نیز، صحت وجود و گستردگی رابطه با جنس مخالف در بین دانشجویان خوابگاهی را تأیید کرده است و نکته جالب اینکه این رابطه در دانشگاه‌های مرکز و پیرامون تفاوتی با هم نداشته و از گستردگی تقریباً یکسانی برخوردار بودند.

«من دیده‌ام که عده‌ای شب را با جنس مخالف در بیرون از خوابگاه می‌گذرانند و شب بعد غیبت خود را به بهانه‌های مختلف موجه می‌کنند» (کرمان، ک.ا. حقوق).

نتیجه دیگر در همین زمینه آن است که رابطه با جنس مخالف حتی در بین دانشجویان متأهل نیز وجود و برخی از آنها نیز با جنس مخالف رابطه دارند.

«من ترم اول که بودم، یک هم‌اتاقی‌ای داشتم که فساد اخلاقی داشت، مشککش این بود که دختره نامزد داشت، دوست پسر هم داشت، حالا نه یکی نه دو تا، شاید به شیش تا می‌رسید» (خوارزمی، ک. تربیت بدنی).

«برخی دختران متأهل با جنس مخالف نیز رابطه دارند» (کرمان، جمعی از دانشجویان).

همچنین، در این تحقیق، تجربه خود دانشجویان پاسخگو از رابطه با جنس مخالف در دو مرحله قبل و بعد از ورود به دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج گویای چندین دلالت مبنی بر داشتن و شکل تجربه رابطه با جنس مخالف بود:

اول) حدود یک پنجم پاسخگویان (۱۹,۷ درصد) قبل از ورود به دانشگاه، رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند. به عبارتی، یک پنجم دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در مدارس کشور، به نوعی و با اشکال مختلف با جنس مخالف رابطه دارند و طبیعی است این نسبت بعد از ورود به دانشگاه، به‌ویژه خوابگاه، به دلیل شرایط حاکم بر آن بیشتر نیز خواهد شد. نتایجی که در ادامه این موضوع و در رابطه با تجربه رابطه با جنس مخالف در زمان پس از ورود به دانشگاه حاصل شد نیز نشان داد که پاسخگویان پس از ورود به دانشگاه، رابطه با جنس مخالف را گسترش داده و به همین خاطر نسبت پاسخگویان دارای رابطه با جنس مخالف بعد از ورود به دانشگاه، بیشتر از زمان قبل است. بدین معنی که نسبت مورد نظر از ۱۹,۷ درصد به ۲۴,۳ درصد افزایش یافته است، یعنی از یک پنجم به یک چهارم.

دوم) شکل رابطه دانشجویان خوابگاهی با جنس مخالف در زمان قبل و بعد از ورود به دانشگاه تغییر کرده و از رابطه کلامی به رابطه رفتاری تغییر یافته است. به طوری که گرچه همچنان شکل غالب رابطه با جنس مخالف تماس تلفنی است (۴۵,۳ درصد قبل از ورود به دانشگاه، ۴۱,۱ درصد بعد از ورود به دانشگاه)، اما تغییری که در این زمینه حاصل شده اینکه بعد از ورود به دانشگاه، از رابطه کلامی و تلفنی پاسخگویان با جنس مخالف کاسته شده و نسبت رابطه رفتاری از نوع بیرون‌رفتن (۱۸,۹ درصد قبل، ۲۳,۳ درصد بعد) و روابط نزدیک‌تر فیزیکی (۴ درصد قبل، ۶,۳ درصد بعد) افزایش یافته است.

سوم) وجود نسبت بالای پاسخگویان در گزینه «مایل نیستم پاسخ بدهم» چه در زمان قبل و چه در زمان بعد از ورود، نشان از پنهان‌سازی واقعیت رابطه با جنس مخالف از سوی آنها دارد که احتمال وجود رابطه در هر دو زمان از سوی آنان وجود دارد، منتهی از اظهار آن سر باز زده‌اند.

جدول شماره ۳: تجربه و شکل رابطه پاسخگویان با جنس مخالف در دو زمان قبل و بعد از ورود به

دانشگاه

بعد از ورود به دانشگاه			قبل از ورود به دانشگاه			متغیرها و طبقات
ف	% نسبی	% معتبر	F	% نسبی	% معتبر	
۶۰۰	۲۴	۲۴,۳	۴۸۹	۱۹,۶	۱۹,۷	(۱) بله
۱۸۶۸	۷۴,۷	۷۵,۷	۱۹۸۸	۷۹,۵	۸۰,۳	(۲) خیر
۲۴۶۸	۹۸,۷	۱۰۰	۲۴۷۷	۹۹,۱	۱۰۰	کل
۳۲	۱,۳	-	۲۳	۰,۹	-	بی‌جواب
۲۵۰۰	۱۰۰	-	۲۵۰۰	۱۰۰	-	N
۲۸۰	۱۱,۲	۴۱,۱	۲۶۲	۱۰,۵	۴۵,۳	(۱) در حد تلفن (تماس، پیامک، شبکه‌های اجتماعی و...)
۱۵۹	۶,۴	۲۳,۳	۱۰۹	۴,۴	۱۸,۹	(۲) بیرون رفتن
۴۳	۱,۷	۶,۳	۲۳	۰,۹	۴	(۳) روابط نزدیکتر فیزیکی
۱۴۳	۵,۷	۲۱	۱۳۰	۵,۲	۲۲,۵	(۴) مایل نیستم پاسخ بدهم
۵۶	۲,۲	۸,۲	۵۴	۲,۲	۹,۳	(۵) سایر
۶۸۱	۲۷,۲	۱۰۰	۵۷۸	۲۳,۱	۱۰۰	N

رابطه با جنس موافق (همجنس‌خواهی) در بین دانشجویان و پاسخگویان

رابطه همجنس‌خواهی از دیگر آسیب‌های اجتماعی است که در برخی از دانشگاه‌های مورد مطالعه مشاهده شده، اگرچه نسبت آن بسیار کمتر از رابطه با جنس مخالف است. از نظر حدود یک دهم پاسخگویان (۶,۱) درصد زیاد و ۴,۲ درصد کاملاً برخی دانشجویان خوابگاه با همدیگر رابطه جنسی دارند و ۱۳,۷ درصد آنها از میزان کم این رابطه گفته‌اند. در این بین، ۱۵,۱ درصد پاسخگویان مخالف کامل وجود رابطه همجنس‌خواهی در بین دانشجویان بوده و اعتقاد داشتند که شنیده‌ها در این زمینه خطاست و صحت ندارد (SD=۱,۹۵، M=۲,۴۹).

«... خودمون همجنس‌بازی رو ندیدیم، ولی شنیدیم» (الزهره، د. مدیریت بازرگانی).

«من خودم شاهد دو مورد از همجنس‌گرایی بودم که دو تا دختر اینقدر همدیگر دوست داشتن که با

هیچ پسری ارتباط نداشتن» (خوارزمی، ک.ا. فیزیک نانو).

«ما شنیدیم تو طبقه اولمون یه سری‌ها بودند، جمع‌شان کردند» (ارومیه، ک.ا. معدن).

مسئولین برخی خوابگاه‌ها در دانشگاه‌های مورد مطالعه نیز به وجود برخی موارد همجنس‌خواهی در بین دانشجویان اشاره کرده‌اند.

«دو مورد همجنس‌بازی گزارش شده» (خوارزمی، نگهبان).

«همجنس‌بازی» (بیرجند، مسئول خوابگاه خواهران).

از طرفی، وقتی تجربه رابطه با جنس موافق از خود دانشجویان پاسخگو پرسش شد، تنها ۱,۳ درصد آنها پاسخ مثبت به داشتن این تجربه داده و ۹۸,۷ درصد گفته‌اند که هیچ رابطه‌ای با جنس موافق ندارند. پیرامون شکل رابطه با جنس موافق نیز، ۱۴ درصد از پاسخگويانی که به وجود رابطه با جنس موافق اشاره کرده بودند، شکل این رابطه را فیزیکی اعلام کردند. البته به دلیل ماهیت موضوع، نسبت پاسخ‌ها در این سؤال، با خطا همراه است و ناهمخوانی تعداد کل پاسخگويان در سه سؤال مطرح‌شده در این زمینه شامل داشتن تجربه، شکل رابطه و گزینه بی‌میلی به پاسخ، دلالت بر کتمان موضوع از سوی برخی دانشجویان دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

کلّیت یافته‌ها را می‌توان با این گزاره جمع‌بندی و صورت‌بندی کرد که: «سنخ آسیب‌های اجتماعی دختران خوابگاهی، امر جنسی و رابطه با جنس مخالف است». به طوری که در رابطه با وضعیت آسیب‌های اجتماعی در خوابگاه دختران، نتایج نشان داد که مصرف موادمخدر و مشروبات الکلی و حتی مصرف سیگار در بین دختران خوابگاهی کم است (ضمن اینکه ارزیابی آنها از شیوع این آسیب‌ها در خوابگاه پایین است)، اما در نقطه مقابل روابط دوستی گسترده‌ای با جنس مخالف و حتی گاه جنس موافق دارند. به طوری که وقتی فهرست ۱۷ آسیب اجتماعی در اختیار دانشجویان قرار گرفت، میزان تنها یک آسیب بالاتر از حد متوسط (۳) بود که مربوط به رابطه دوستی با جنس مخالف است ($M=3,61$). اما در مورد سایر آسیب‌ها، ارزیابی پاسخگويان کمتر از حد متوسط بود و این نشان می‌دهد که از نظر دانشجویان سایر آسیب‌ها رواج چندانی در خوابگاه ندارند. شجاع‌نوری و شکری (۱۳۹۲) یکی از مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویان دختر غیربومی را ناهنجاری اخلاقی-رفتاری و پروین (۱۳۹۵) یکی از چالش‌های زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خودگران در شهر تهران را گرایش به رفتارهای پُرخطر و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و مصرف انواع موادمخدر و... عنوان کرده‌اند. در مطالعات خارجی نیز، کلیمت، دلّه، کهایند و موداپ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای که روی خوابگاه دانشگاه تکنولوژی آکور انجام دادند، دریافتند که دانشجویان از نرخ پایین جرایم در خوابگاه راضی بودند.

نتایج گویای این واقعیت است که جنس آسیب‌های اجتماعی در بین دختران خوابگاهی، از نوع روابط دوستی است (رابطه دوستی، رابطه جنسی و پارتی) تا موادمخدر و یا آسیب اجتماعی به معنای جرمی آن

(مصرف شیشه، حشیش، مواد مخدر، مصرف الکل و...) به عبارت دیگر، شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی در بین دختران خوابگاهی، مربوط به امر جنسی و رابطه با جنس مخالف بود. درحقیقت، آسیب‌هایی که ارضای آنها به شکل معمول در جامعه گاه با تابو همراه است و سرکوب شده است، آسیب‌هایی مانند رابطه دوستی با جنس مخالف، رابطه جنسی نامشروع با جنس مخالف و نشست‌ها و پارتی‌های دوستانه مختلط. بنابراین، آسیب‌های اجتماعی در بین دختران خوابگاهی، آسیب‌های ناشی از محدودیت آزادی آنهاست تا آسیب‌های ناشی از بیکاری، ناامیدی و سرخوردگی از جامعه و... مرادی و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که یکی از عوامل درگیر شدن دختران خوابگاهی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ضعف اعتمادبه‌نفس در آنهاست که در سطح متوسط قرار دارد و بالطبع با افزایش اعتمادبه‌نفس، میزان خطرپذیری آنها، به‌ویژه در رابطه با رفتارهای پرخطر، کاهش می‌یابد. در پژوهشی که مثنوی و همکاران (۱۳۸۴) نیز در مورد نگرش دانشجویان خوابگاهی در مورد رفتارهای انحرافی در خوابگاه‌ها صورت دادند، به سرکوب نیازهای جنسی از سوی دختران خوابگاهی اشاره شده است. این آسیب‌های ناشی از محدودیت آزادی را، می‌توان در نوع نگرش دانشجویان به خوابگاه نیز مشاهده کرد؛ جایی که آنها در مورد ویژگی‌های منفی خوابگاه دانشجویی سخن می‌گویند، عمده‌ترین و برجسته‌ترین نگرش منفی آنها، مربوط به موردی است که به رابطه دختران خوابگاهی با پسران اشاره کرده و معتقدند «برخی از دانشجویان خوابگاه به دلیل دوری از خانواده و خلأ عاطفی تنهایی‌شان را با پسران پُر می‌کنند».

موضوع دیگر، نقش خوابگاه در گرایش دختران به آسیب‌های اجتماعی است. برای مثال، نتایج مطالعه پیرامون داشتن رابطه با جنس مخالف در دو مرحله قبل از ورود به دانشگاه و مرحله بعد از ورود به دانشگاه نشان داد که حدود یک پنجم دانشجویان (۱۹,۷ درصد، یک پنجم) قبل از ورود به دانشگاه، به‌نوعی و با اشکال مختلف رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند و پس از ورود به دانشگاه، این رابطه گسترش یافته است (۲۴,۳ درصد، یک چهارم). ضمن اینکه پس از ورود به دانشگاه، شکل رابطه نیز از رابطه کلامی به رابطه رفتاری تغییر یافته است؛ گرچه همچنان شکل غالب رابطه با جنس مخالف کلامی و به‌صورت تماس تلفنی است (رابطه کلامی: ۴۵,۳ درصد قبل از ورود به دانشگاه، ۴۱,۱ درصد بعد از ورود به دانشگاه، رابطه رفتاری: بیرون رفتن [۱۸,۹ درصد قبل، ۲۳,۳ درصد بعد] و روابط نزدیک‌تر فیزیکی [۴ درصد قبل، ۶,۳ درصد بعد]. در مورد سایر آسیب‌ها، به‌ویژه در زمینه مصرف مواد دخانی، نیز تا حدودی خوابگاه موجب گرایش دانشجویان به آنها شده است؛ اگرچه نظر خود دانشجویان مبنی بر نقش بسیار پایین خوابگاه در گرایش خود به آسیب‌های اجتماعی بوده است (۸۲,۱ درصد). درحالی که نتایج حاصل از سنجش مستقیم مصرف مواد دخانی در بین دانشجویان نشان داد که دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه و خوابگاه، سه ماده دخانی سیگار، قلیان و مشروبات الکلی را مصرف می‌کردند. اما در

مورد دو ماده دخانی پیپ و مواد مخدر، دانشجویان بعد از ورود به دانشگاه شروع به مصرف این مواد کرده‌اند. به عبارتی، دانشگاه، به‌ویژه خوابگاه، نقش مهمی در گرایش دانشجویان به مصرف پیپ و مواد مخدر داشته است و بخشی از این گرایش ناشی از این دو فضا است (ضمن اینکه نباید تأثیر عوامل دیگر را منکر شد و بالطبع کنترل کرد). در همین زمینه، بابایی حیدرآبادی و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای که روی شیوع مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران انجام دادند، دریافتند که حدود ۵۸ درصد دانشجویان اولین بار مواد را در خوابگاه‌ها و پارک‌ها و ۴۷٫۵ درصد در نشست‌های و پارتی‌های دانشجویی آغاز کرده بودند. شکرالهی (۱۳۹۲) و افتخار و اجمل (۲۰۱۵) نیز با بررسی تأثیر خوابگاه دانشجویی بر دانشجویان دریافتند که خوابگاه دانشجویی موجب تحریک دانشجویان به ارتکاب جرم و مصرف سیگار و مواد مخدر می‌شود.

بخشی از واقعیت شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دختران خوابگاهی را می‌توان براساس دیدگاه کنش متقابل چنین تحلیل کرد که خوابگاه فضایی اجتماعی با انواع دینامیسم‌ها و کنش‌های متقابل اجتماعی فی‌مابین دانشجویان است که بسیاری از این کنش‌ها، در چارچوب «نظریه پیوند افتراقی» ساترلند قابل یادگیری‌اند و پیوند با همالان ضداجتماعی ارتباط مثبت و مستقیمی با رفتار انحرافی دارد. رفتارهای انحرافی در خوابگاه وابسته به خرده‌فرهنگی خاص با نظامی از ارزش‌ها و هنجارهای انحرافی است که دانشجویان دختری که با افراد وابسته به این خرده‌فرهنگ هم‌نشینی و معاشرت کنند، به‌طور طبیعی، ملزم به جامعه‌پذیری و هم‌نوایی با این نظام ارزشی و هنجاری از خرده‌فرهنگ می‌شوند که او را نقض هنجارهای مسلط در جامعه و خوابگاه تشویق می‌کنند. یا بهتر بگوییم، این شکل انحراف در درون خرده‌فرهنگ انحرافی‌آمیز، خود نوعی هم‌نوایی است که طی آن فرد خود را با قواعد آن خرده‌فرهنگ هم‌نوا می‌کند. در سوی دیگر قضیه، با فشار هنجاری از سوی گروه‌های همالانی مواجه‌ایم که احتمالاً بخشی از این گروه خود وابسته به همان نظام و خرده‌فرهنگ انحرافی هستند. در فضای خوابگاه، دانشجویان دختر در برخورد با امور واقع، به‌ویژه در زمان مواجهه با مشکلات، فشارها و سختی‌ها (در صورت نبود یا ضعف نهادهای مشاوره‌ای و مددکاری در سطح دانشگاه و خوابگاه)، معمولاً رفتارشان را براساس گروه‌های همالان خود تنظیم می‌کنند و در داخل این گروه‌ها تصمیم می‌گیرند که چه کار کنند و چگونه آن را انجام دهند. به عبارتی، کنش‌ها و واکنش‌های افراد تحت تأثیر برداشت‌ها، تفاسیر و کنش‌های گروه‌های همالانشان قرار دارد. بر همین اساس، بیشترین میزان شیوع رفتارهای انحرافی در خوابگاه را از سوی دخترانی می‌بینیم که در ارتکاب آسیب اجتماعی در سطح خوابگاه به‌طور کل و در سطح همالان و اتاق به یک ارزش و بالطبع هنجار تبدیل شده است. نتایج مطالعات قبلی (شجاع و همکاران، ۱۳۸۹؛ بابایی

حیدرآبادی و همکاران، ۲۰۱۴) نشان داده که ارتباط با دوستان مصرف‌کننده سیگار و موادمخدر یکی از دلایل اصلی گرایش دانشجویان خوابگاهی به مصرف این مواد دخانی است.

در همین زمینه، بایستی به موضوع ارتباط دانشجویان با خانواده اشاره کرد که یکی از منابع کنترلی آنها در گرایش به آسیب‌های اجتماعی است. اما نتیجه‌ای که در این تحقیق حاصل شد، حکایت از ضعف عملکرد این کنترل به دلیل کاهش تردد و ارتباط با خانواده داشت و نشان داد که دانشجویان خوابگاهی فارغ از کنترل و نظارت والدین هستند؛ به طوری که ارتباط خانوادگی و در نتیجه نظارت ناشی از آن در دانشجویان در حد متوسط است. بیش از یک سوم دانشجویان (۳۷٫۶ درصد) در طول سال بین ۱ تا ۵ دفعه جهت دیدار خانواده به شهرستان رفت‌وآمد می‌کنند و در مورد بیش از یک سوم آنها (۳۷ درصد) نیز خانواده برای دیدن آنها به خوابگاه نمی‌آید و در نتیجه می‌توان گفت خانواده این نسبت از دانشجویان پس از قبولی در دانشگاه و حضور در خوابگاه، اطلاعی از موقعیت و شرایط خوابگاهی فرزندان خود ندارند. نتیجه مطالعه مظاهری و همکاران (۱۳۸۹) نیز منطبق با همین یافته بود و نشان داد که والدین دانشجویان بومی، کنترل مطلوب‌تری روی آنها دارند تا دانشجویان غیربومی. اگرچه این ارتباط پایین بین دانشجویان و خانواده به دلایل مختلفی مانند دوری راه و خسته‌کننده بودن آن، هزینه رفت‌وآمد، درگیری در امور درسی و شکافی نسلی اتفاق می‌افتد، اما نتیجه مسلم این ارتباط ضعیف، عدم کنترل بر رفتارهای به‌ویژه آسیب‌زای دانشجویان در خوابگاه است که می‌تواند به دور از خانواده اتفاق بیافتد. بابایی حیدرآبادی و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی وضعیت شیوع مصرف موادمخدر در بین دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، دریافتند که دانشجویان ساکن در خوابگاه به دلیل عدم نظارت والدین، در برابر مصرف موادمخدر آسیب‌پذیرترند. نقش کنترل و نظارت خانواده بر بروز رفتارهای انحرافی در دختران خوابگاهی را می‌توان در چارچوب مفهوم «پیوند اجتماعی» تراویس هیرشی در نظریه کنترل اجتماعی توضیح داد که معتقد است دلیل اصلی ناهم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی و در نتیجه بروز رفتارهای انحرافی در آنان، ضعف یا نبود پیوند اجتماعی است که شامل چهار عنصر تعلق خاطر، تعهد، درگیری و اعتقاد می‌شود. عدم ارتباط با خانواده از سوی دانشجویانی که مناسبات چندانی چه به صورت تلفنی و چه به صورت رفت‌وآمدی ندارند، موجب ضعف پیوندهای اجتماعی آنها با خانواده شده و چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب انحراف آزاد بداند. بنابراین، موافق با هیرشی، هرچه پیوستگی دانشجویان با والدین بیشتر باشد، آنها کمتر دچار انحراف می‌شوند. همچنین، موقعی که دانشجویان فکر کنند والدینشان می‌دانند آنها کجاها می‌روند، به طور طبیعی آنها کمتر به اعمال انحرافی می‌گریند و کمتر رفتار بزهکارانه از خود بروز می‌دهند (دادسون، ۲۰۰۱: ۹۲-۹۴).

در پایان، به منظور سیاست‌گذاری و مدیریت هرچه بهتر آسیب‌های اجتماعی در خوابگاه پیشنهادی زیر قابل طرح و پیگیری است: ۱. اصلاح رویکرد مسئولان و مدیران خوابگاه نسبت به آسیب‌های اجتماعی دانشجویان در جهت تمایزگذاری بین آسیب‌ها (نظیر همجنس‌گرایی، اعتیاد، روابط جنسی نامشروع و...) و نیازهای اجتماعی (مانند رابطه سالم با جنس مخالف)؛ حذف رویکرد تابوگونه مسئولان و مدیران؛ ۲. برنامه‌ریزی برای پاسخگویی صحیح به نیازهای جامعه‌پذیری دانشجویان، با توجه به یکسان نبودن شرایط خانوادگی و اجتماعی دانشجویان؛ ۳. دستیابی به الگوی ارتباط سالم (بین دختر و پسر) از طریق ارائه آموزش‌های مقتضی نظیر آموزش مهارت‌های زندگی، تعامل مسئولین با دانشجویان به منظور ایجاد درک مشترک در باب مرز رابطه سالم و غیرسالم و...؛ ۴. تمرکز بر برنامه‌های پیشگیرانه (آموزشی، تربیتی و بهینه‌سازی گذران اوقات فراغت) در مواجهه با آسیب‌ها در کنار رویکردهای نوآورانه کنترلی از آسیب‌های اجتماعی (سیگار، قلیان، موادمخدر روانگردان‌ها، مصرف مواد الکلی، شرکت در پارتی و...)؛ و ۵) کاهش احساس ناامنی دانشجویان در خوابگاه (ناامنی ناشی از دستبردهای موردی، ناامنی ناشی از حضور کارکنان مرد در محیط خوابگاه).

سیاسگذاری

مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تهیه بسته جامع سیاست‌گذاری و راهبردهای عملیاتی جهت ارتقای وضعیت فرهنگی، اجتماعی و رفاهی خوابگاه‌های دانشجویان دختر در کشور» است که با حمایت مالی دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۶ انجام گرفته است. در اینجا، از زحمات و مساعدت مدیران و کارشناسان این دو نهاد تشکر می‌شود.

منابع

- پروین، ستار (۱۳۹۵). چالش‌های زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خودگردان در شهر تهران (با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی). فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۲): ۳۳۸-۳۱۱.
- رضاخانی مقدم، حامد و همکاران (۱۳۹۱). بررسی شیوع و علل گرایش به مصرف سیگار و قلیان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹. دوماهنامه طلوع بهداشت یزد، ۱۱(۴): ۱۰۳-۱۱۳.
- رحیم‌زاده، مهدی؛ حسینی، رستگار؛ فاضل کخوران، جمال (۱۳۹۵). بررسی فراوانی مصرف و علل گرایش به مصرف سیگار و قلیان در بین دانشجویان پسر و دختر تربیت بدنی دانشگاه کردستان. مجله سلامت و بهداشت، ۷(۵): ۶۸۰-۶۸۶.

- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: انتشارات سروش.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*. تهران: انتشارات آن.
- طالبان، محمود (۱۳۸۳). تحلیل کوواریانس ساختاری بزهکاری نوجوانان. *فصلنامه مطالعات جوانان*، ۷: ۳-۳۴.
- علیوردی‌نیا، اکبر و یونسی بروجنی، عرفان (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانشجویان: آزمون تجربی دیدگاه نظری چندگانه. *مجله تحلیل جامعه‌شناختی*، ۴(۶۸): ۹۷-۱۲۹.
- رضانی، طاهره؛ گواری، فاطمه؛ محمدعلیزاده، سکینه؛ ریانی، مسعود؛ بهرامپور، محمدرضا (۱۳۸۹). شیوع و علل گرایش به مصرف سیگار در دانشجویان دانشگاه‌های شهر کرمان. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی رازی کرمان*، ۱۰(۱۹): ۱-۶.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۲). آسیب اجتماعی: تبیین‌ها و نظریه‌ها. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، پیش‌شماره دوم.
- شجاع، مهدیه و همکاران (۱۳۸۹). بررسی فراوانی مصرف و علل گرایش به سیگار در دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۸۷. *مجله پژوهنده*، ۱۵(۳): ۱۲۳-۱۲۸.
- شجاع نوری، فروغ‌الصباح و شکری، فرزانه (۱۳۹۲). شناسایی و طبقه‌بندی مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویان دختر غیربومی. *مجله مهندسی فرهنگی*، ۸(۷۷): ۱۴۵-۱۶۸.
- شکرالهی، حمیدرضا (۱۳۹۲). *تأثیر خوابگاه‌های دانشجویی بر بزهکاری دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران، تهران.
- کرسول، جان؛ پلانوکلاک، ویکی (۱۳۹۴). *روش‌های پژوهش ترکیبی*. ترجمه: علیرضا کیامنش و جاوید سربای. چاپ دوم، تهران: نشر آبیژ.
- مجیدپور، علی؛ حمیدزاده اربابی، یوسف؛ عباسقلی‌زاده، ناطق؛ صالحی، اسماعیل (۱۳۸۴). میزان شیوع و علل گرایش به مصرف سیگار در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اردبیل*، ۵(۳): ۲۶۶-۲۷۰.
- مرادی، رضا؛ محمدی، ماهان؛ بهمن‌زیاری، نجمه؛ تیموریان، نجمه (۱۳۹۳). رابطه بین اعتمادبه‌نفس و خطرپذیری دانشجویان دختر ساکن خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۴(۷): ۶۲۶-۶۳۲.
- مثنوی، عطاالله و همکاران (۱۳۸۴). نگرش دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران در مورد رفتارهای انحرافی در خوابگاه‌ها. *مجله توانبخشی*، ۶(۴): ۲۰-۲۵.
- Babaei Heydarabadi, A. (2015). Prevalence of Substance Abuse Among Dormitory Students of Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. *nt J High Risk Behav Addict*, 4(2): 22-35.

- Botha, F.; Snowball, J.; de Klerk, V.; Radloff, S. (2015). Determinants of students satisfaction with campus residence life at a South Africa University. *Springer International Publishing Switzerland, Series 57*: 17-35.
- Clement, L.; Dele, O.; Kehinde, F.; Modupe, O. (2013). Post occupancy evaluation of privatized students' hostel: case study of Federal university of technology, Akure. *International Journal of Computer Science and Information Technology & Security*, 3(3): 237-246.
- Dodson, K. D. (2001). An Examination of Juvenile Delinquency and Victimization Using an Integrated: Model Approach. Unpublished dissertation, East Tennessee State University, Available on:
<https://dc.etsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1115&context=etd>.
- Durkin, K.; Wolfe, T. W.; Clark, G. (1999). Social bond theory and binge drinking among college students: A multivariate analysis. *College Student Journal*, 33: 450-461.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley: University of California Press.
- Iftikhar, A.; Ajmal, A. (2015). A Qualitative investigating the impact of hostel life. *International Journal of Emergency Mental Health and Human Resilience*, 17(2): 511-515.
- Liska, A. E. (1987). *Perspectives on Deviance*. 2nd ed. Englewood Cliffs, Nj: Prentice Hall.
- Mohd Suki, N.; Chowdhury, I. A. (2015). Students Attitude and Satisfaction Living in Sustainable On-Campus Hostels. *Malaysia Journal of Business and Economics*, 2(1): 35-47.